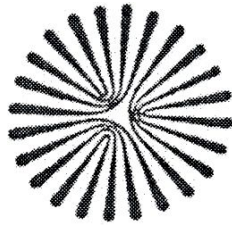


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه پیام نور

دانشکده‌ی علوم انسانی

مرکز تهران

پایان نامه

برای دریافت مدرک کارشناسی ارشد

رشته زبان و ادبیات فارسی

## عنوان پایان نامه:

بررسی و تحلیل استعاره در شعر پس از انقلاب از دیدگاه معناشناسی

شناختی با تأکید بر شعر قیصر امین پور و سید حسن حسینی

محمود صارمی

استاد راهنما:

دکتر مصطفی گرجی

استاد مشاور:

دکتر اکبر شاملو

اردیبهشت ۱۳۹۳

تقديم به :

خانواده ام

همانها که محبتشان

سرمایه جاودان من است.

## تقدیر و تشکر از اساتید:

راهنما: جناب آقای دکتر گرجی، استاد فرزانه و فرهیخته ام

مشاور: جناب آقای دکتر شاملو، استاد بزرگوار و دانشمندم

و همهٔ دوستان و همراهانی که مرا یاری رساندند.

## چکیده:

استعاره به عنوان رکنی مهم از ارکان علوم بلاغی و یکی از ترفندهای هنری تزیین و تخییل کلام، از دیرباز مورد بحث و بررسی دانشمندان دنیا بوده است، چنانکه پیشینه این بحث را به آراء ارسطو و افلاطون نسبت می دهند. در این زمینه دانشمندان ایرانی و اسلامی نیز تعاریف و تفاسیر گوناگونی که غالباً در راستای نظرات فلاسفه و بلاغیون غربی می باشد، ارائه داده اند. با اندکی تأمل می توان دریافت که این تعاریف سنتی در باب استعاره و خاستگاه آن، از یک دیدگاه نسبتاً واحد سرچشمه می گیرند.

از حدود سه دهه پیش با رشد مباحث زبانشناسی در کنار فلسفه و سایر علوم شناختی، نظرات جدیدی در خصوص ماهیت و منشأ استعاره ارائه شده است که تعاریف سنتی را با چالش های مهمی روبرو کرده است.

در نظریه معاصر استعاره که از سوی لیکاف (زبانشناس آمریکایی) و جانسون (فیلسوف آمریکایی) مطرح شد، استعاره را اساس تفکر و زیربنای اندیشه بشر می داند و نه تنها آنرا امری تزیینی نمی داند بلکه استعاره را جزئی جدایی ناپذیر لاینفک از زبان به حساب می آورد که انسان به طور ناخودآگاه آن را در کلام روزمره و حتی شعر و نوشته های دیگر به کار می گیرد.

پژوهش حاضر سعی دارد با توجه به مبانی نظری استوار و علمی نظریه فوق، به شرح و بررسی استعاره در شعر انقلاب از دیدگاه معنی شناسی شناختی پرداخته و زوایای مختلف این نظریه را در دوره شعری مذکور، مورد نقد و واکاوی قرار دهد. در این راستا قیصر امین پور و سید حسن حسینی را به عنوان دو تن از برجسته ترین شاعران انقلاب انتخاب کرده ایم.

**کلیدواژه ها:** استعاره، معنی شناسی شناختی، شعر انقلاب، قیصر امین پور، سید حسن حسینی.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه.....
۲	۱- فصل اول: تعاریف، مفاهیم و کلیات.....
۳	۱-۱- بیان مسأله.....
۴	۱-۲- اهداف پژوهش.....
۴	۱-۳- ضرورت و اهمیت پژوهش.....
۴	۱-۴- روش تحقیق.....
۴	۱-۵- ساختار پژوهش.....
۵	۱-۶- پیشینه تحقیق.....
۶	۱-۷- تعریف مفاهیم.....
۶	۱-۷-۱- زبان شناسی شناختی.....
۷	۱-۷-۲- معنی شناسی شناختی.....
۸	۱-۷-۳- علوم شناختی.....
۹	۱-۷-۴- استعاره شناختی.....
۱۰	۱-۷-۵- نگاشت.....
۱۲	فصل دوم: مبانی و چارچوب نظری پژوهش.....
۱۳	مقدمه.....

- ۱-۲- استعاره از دیدگاه سنتی و بلاغی ..... ۱۴
- ۲-۲- استعاره از دیدگاه نوین و معاصر ..... ۱۷
- ۳-۲- استعاره از دیدگاه های دیگر ..... ۲۰
- ۴-۲- استعاره از دیدگاه معنی شناسی شناختی ..... ۲۳
- ۵-۲- مختصات استعاره شناختی ..... ۲۵
- ۱-۵-۲- تعریف و ماهیت استعاره شناختی ..... ۲۶
- ۲-۵-۲- نظریه معاصر استعاره ..... ۲۷
- ۳-۵-۲- اقسام استعاره های شناختی ..... ۳۰
- ۱-۳-۵-۲- استعاره مفهومی (ساختار رویداد) ..... ۳۰
- ۲-۳-۵-۲- استعاره های جهتی ..... ۳۲
- ۳-۳-۵-۲- استعاره طرحواره ای ..... ۳۴
- ۶-۲- استعاره های مرده و زنده ..... ۳۸
- ۷-۲- تشخیص ..... ۴۰
- فصل سوم: شعر انقلاب و دفاع مقدس ..... ۴۱
- ۱-۳- مقدمه ..... ۴۲
- ۲-۳- شعر جنگ و دفاع مقدس ..... ۴۶
- ۱-۲-۳- شعر جنگ ..... ۴۷
- ۱-۱-۲-۳- سیدحسن حسینی ..... ۵۱
- ۲-۱-۲-۳- قیصر امین پور ..... ۵۱

فصل چهارم: بررسی و تحلیل اشعار قیصر امین پور و سید حسن حسینی با رویکرد معناشناسی

شناختی.....	۵۸
مقدمه.....	۵۹
۱-۴- استعاره های مفهومی.....	۶۰
۱-۱-۴- زندگی سفر است.....	۶۱
۲-۱-۴- عشق سفر است.....	۶۹
۳-۱-۴- مرگ، رفتن است.....	۷۲
۴-۱-۴- مرگ، باد است.....	۸۳
۵-۱-۴- انسان، حیوان است.....	۹۰
۱-۵-۱-۴- انسان خوب، حیوان خوب است.....	۹۱
۲-۵-۱-۴- انسان بد، حیوان بد است.....	۹۱
۶-۱-۴- انسان، طبیعت است.....	۹۳
۷-۱-۴- تشخیص (انسان پنداری).....	۹۹
۸-۱-۴- ظلم، شب است، عدل، روز است.....	۱۰۶
۹-۱-۴- استعارهٔ زمان.....	۱۱۰
۱-۹-۱-۴- ناظر ایستا، زمان شی متحرک.....	۱۱۱
۲-۹-۱-۴- ناظر متحرک، زمان ثابت.....	۱۱۵
۱۰-۱-۴- مفاهیم (تصورات) اشیا هستند.....	۱۱۷
۲-۴- استعاره های جهت گیرانه.....	۱۲۲



- ۱۲۵..... ۱-۲-۴ - بالا - پایین
- ۱۳۱..... ۲-۲-۴ - جلو - عقب
- ۱۳۲..... ۳-۲-۴ - چپ - راست
- ۱۳۲..... ۴-۲-۴ - درون - بیرون
- ۱۳۳..... ۵-۲-۴ - عمیق - سطحی
- ۱۳۴..... فصل پنجم : جمع بندی و نتیجه گیری
- ۱۳۵..... مقدمه
- ۱۳۵..... ۱-۵ - خلاصه یافته ها
- ۱۳۶..... ۲-۵ - مقایسه مفهوم زندگی در نگاه دو شاعر با توجه به موضوع مورد بحث
- ۱۳۸..... ۳-۵ - مقایسه ی مفهوم مرگ در نگاه دو شاعر با توجه به موضوع مورد بحث
- ۱۴۱..... ۴-۵ - پیشنهادهای پژوهش
- ۱۴۳..... منابع و ماخذ

## مقدمه

استعاره در نظام فکری بشر همواره یکی از پیچیده ترین و در عین حال جذاب ترین مباحث ادبی و زبانی بوده است که در طول تاریخ و از زمان ارسطو تا به امروز مورد بررسی و تحلیل بسیاری از علمای علوم ادبی، فلسفی، زبان شناسی و سایر علوم مرتبط واقع شده است. استعاره به لحاظ ظرافت ها و پیچیدگی های خاصی که دارد در میان دیگر فنون ادبی و صنایع لفظی و معنوی کلام، از جایگاه ویژه ای برخوردار است و همین موضوع بحث و بررسی در خصوص آن را از زوایای مختلف فکری و زبانی، بیش از پیش حائز اهمیت می نماید.

تا پیش از آنکه استعاره موضوع علوم فلسفی و شناختی و به خصوص زبان شناسی شناختی واقع شود؛ ادیبان و سخن سنجان فراوانی سعی در تعریف و بازشناخت دقیق آن کرده اند و هر کدام به سهم خود آن را تعریف و انواع و اقسام آن را معرفی کرده اند. این روند از ارسطو آغاز می شود و تا امروز همچنان علمای بلاغت از شرق و غرب عالم، همان تعاریف و مفاهیم را به زبان های گوناگون ارائه می دهند و همه آنها در تعریف استعاره بر یک قول متفقند: «استعاره عبارت است از استعمال لفظ در غیر معنای حقیقی» و کارکرد آن را هم جز در کلام ادبی و در راستای تزیین و تخیل کلام نمی دانند. این دسته از محققان جایگاه استعاره را خارج از حوزه زبان و اندیشه می دانند و آنرا امری عاریتی و کاملاً فرعی به حساب می آورند. اما آنچه زبان شناسان به مدد فلسفه و علوم شناختی به آن دست یافته اند چیزی غیر از این تعاریف و متفاوت با نظر بلاغیون و ادباست. آنها اولاً جایگاه استعاره را در اندیشه و زبان انسان جستجو می کنند. ثانیاً آن را امری کاملاً ذاتی و اصیل در کلام و زبان بشر به حساب می آورند. زبان شناسان معتقدند که استعاره نه تنها عاریتی و تزینی نیست بلکه مبنای تفکر بشر و اساس همه زبان ها و سخنان منظوم و مثنوی و حتی کلام خودکار و روزمره است و بر این اساس به تعاریف جدید و تبیین و تشریح آن پرداخته اند. با توجه به این امر است که امروزه «نظریه معاصر استعاره» نزد اهل علم و ادب به عنوان نظریه ای کارآمد و اصیل از ارزش و اعتبار خاصی برخوردار می باشد. پژوهش حاضر بر مبنای این نظریه به تحلیل و بررسی بخشی از شعر انقلاب اسلامی پرداخته و سعی می کند تا چارچوب نظری و روش تحلیل و ارزیابی خود را بر اساس آن استوار سازد تا از این منظر هم بتواند به تحلیلی دقیق و درست از مبانی فکری و روند شکل گیری استعاره های شناختی در شعر انقلاب و سیر دگرگونی و تحول آن در نزد شاعران این عصر دست یابد و هم نشان دهد که نظریه معاصر استعاره در زبان فارسی و خصوصاً در شعر معاصر قابلیت طرح و بررسی داشته و نظریه ای کاملاً جهانی و پویا می باشد.

## فصل اول:

### کلیات، تعاریف و مفاهیم

## ۱-۱. بیان مساله:

استعاره در کنار تشبیه، کنایه و مجاز یکی از چهار موضوع علم بیان است و یکی از عناصر و ابزار پر کاربرد در خدمت شاعران و نویسندگان برای تخیل و زیبایی آفرینی. استعاره موضوعی است که از گذشته یعنی از زمان افلاطون و ارسطو در غرب و همچنین ابن اثیر، جرجانی و جاحظ در بلاد اسلامی مورد بحث و بررسی بوده است. از تعاریف و تعبیری که این اندیشمندان از استعاره ارائه داده اند به یک تعریف واحد می توان دست یافت، هر چند که در تعریف هر یک از آنها ممکن است اختلاف نظرهای جزئی وجود داشته باشد؛ استعاره ابزاری است خارج از زبان که برای تزیین و آرایش آن به کار گرفته می شود. به همین دلیل هم به آن استعاره گویند چون اصل آن «عاریه» یعنی امانت گرفتن است.

در دهه های اخیر، با تحقیقات و بررسی هایی که از سوی گروهی از زبانشناسان و فلاسفه غرب صورت گرفته، تعریف جدیدی از استعاره، ارائه شده که تفاوت های بنیادینی با تعاریف سنتی آن دارد. ماحصل سخن آنها این است که می گویند، استعاره مبنای تفکر انسان بود و چیزی جدای از زبان او نیست. به عبارت دیگر آنها استعاره را ابزاری خارج از زبان که شاعر برای تزیین کلام خود از آن استفاده می کند، قلمداد نمی کنند، بلکه آنرا اساس و پایه همه تفکرات، به تبع سخن گفتن او می دانند.

جورج لیکاف به همراه مارک جانسون نخستین کسانی هستند که این مساله را به عنوان یک نظریه در آثار خود، از جمله در کتاب «استعاره هایی که با آنها زندگی می کنیم» مطرح ساختند و شواهد و مثال های فراوانی از زبان انگلیسی و سایر زبان ها ارائه کردند. پس از آن پژوهشگران زیادی در دنیا به بحث و بررسی در خصوص این نظریه پرداخته و آثاری ارائه داده اند. در کشور ما نیز این نظریه چند سالی است که نظر پژوهشگران حوزه های زبانشناسی، ادبیات، روانشناسی و برخی رشته های شناختی و تربیتی را به خود جلب کرده است که ماحصل این پژوهش ها در قالب چند جلد کتاب، پایان نامه و رساله و همچنین چندین مقاله در مجلات تخصصی بوده است.

پژوهش حاضر بر مبنای این نظریه، قصد دارد به بررسی و تبیین جایگاه استعاره در شعر انقلاب اسلامی بپردازد تا از این منظر نگاهی نو به استعاره پژوهشی در زبان فارسی داشته باشد. از میان شاعران انقلاب اسلامی دو تن از شاعران برجسته و صاحب نظر را برگزیده ایم که هم از لحاظ اثر و هم از نظر مقبولیت و دانش مورد در سطح جامعه و دانشگاه از شهرت و اقبال بیشتری برخوردارند؛ سید حسن حسینی و قیصر امین پور.

## ۱-۲. اهداف پژوهش:

اهداف اصلی و کلی این تحقیق عبارتند از:

- ۱- بررسی و تبیین نقش استعاره های شناختی در زبان شعر.
- ۲- بازشناسی و بررسی زیر ساختهای شناختی در استعاره های ادبی و بدیع.
- ۳- شناسایی ظرفیت ها و قابلیت های موجود در شعر پس از انقلاب اسلامی بر مبنای نظریه معاصر استعاره.
- ۴- بررسی جایگاه «نظریه معاصر استعاره» در ذهن و زبان گویشوران زبان فارسی.

## ۱-۳. ضرورت و اهمیت پژوهش:

از آنجایی که «نظریه معاصر استعاره» یک نظریه نوپا و نوظهور محسوب می شود و هنوز جای آن در نقدهای سبک شناسانه و زیبایی شناختی پر رنگ و برجسته نیست، به نظر می رسد انجام این گونه پژوهش ها، با چنین رویکردی در حوزه ادبیات، یک نیاز و ضرورت غیرقابل انکار است. همچنین با توجه به سرعت و شتاب موجود در عرصه ی نظریه پردازی در علوم مختلف در دنیا و ارائه مباحث و دیدگاه های جدید در حوزه های گوناگون علوم انسانی، لزوم آشنایی و به کارگیری دقیق و علمی این نظریه ها و یافته های علمی در تمام عرصه ها، جهت تقویت و رشد این علوم احساس می شود.

## ۱-۴. روش تحقیق:

پژوهش حاضر به با ابزار کتابخانه ای و جمع آوری اطلاعات به صورت فیش برداری انجام گرفته است. به این ترتیب که ابتدا با استفاده از منابع موجود در خصوص «نظریه معاصر استعاره» مبانی فکری و نظری مورد نیاز را گردآوری کرده، پس از جمع آوری اطلاعات و گردآوری داده ها به تجزیه و تحلیل موضوعی آنها پرداخته و هر موضوع به اقتضای ضرورت و اهمیت خود، مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. با این توصیف روش تحقیق در این جستار تحلیلی - مقایسه ای خواهد بود.

## ۱-۵. ساختار پژوهش:

این پژوهش در پنج فصل و هر فصل در چندین بخش گردآوری شده است. هر فصل شامل یک مقدمه و بخش های فرعی می باشد.

## ۱-۶. پیشینه تحقیق:

با وجود آنکه از عمر این نظریه تنها سه دهه می‌گذرد و سابقه طرح آن در ایران نیز زیاد نیست اما پژوهشهای زیادی در این خصوص انجام شده که در سه دسته قابل تقسیم بندی می‌باشد و اشاره مختصری به هر یک می‌نماییم:

### الف) کتاب‌ها:

- ۱- درآمدی بر معنی شناسی، کورش صفوی، سوره مهر، ۱۳۸۷ که در فصل ۱۳ به معنی شناسی شناختی و نظریه معاصر استعاره پرداخته است.
- ۲- استعاره و شناخت، حبیب‌اله قاسم زاده، نشر فرهنگان، ۱۳۸۲ که نویسنده به ریشه‌های شناختی و روان‌شناختی استعاره و مکانیزم‌های موجود در ذهن بشر در خصوص تفکر درباره مفاهیم انتزاعی از جمله مفاهیم استعاری پرداخته است.
- ۳- مقدمه‌ای بر معنی شناسی شناختی، بلقیس روشن و لیلا اردبیلی، نشر علم، ۱۳۹۲ که نویسندگان، تدوین و نگارش نظریات متفکران غربی به توضیح و تبیین همه جانبه این علم پرداخته‌اند.
- ۴- چند اثر ترجمه‌ای که به گردآوری مقالاتی از صاحب نظران این حوزه پرداخته‌اند.

### ب) پایان‌نامه‌ها:

- ۱- استعاره در زبان فارسی بر اساس زبان‌شناسی شناختی، حدائق رضایی (۱۳۸۲)، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۲- استعاره زبان در زبان فارسی، رویکرد معناشناختی، فاطمه یوسفی راد (۱۳۸۲)، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۳- بررسی مجاز از دیدگاه معنی شناسی شناختی، مریم حسینی (۱۳۸۵) دانشگاه علامه طباطبائی.
- ۴- استعاره در زبان عامه با توجه به تئوری سیکاف و جانسون، مرضیه اصغرنژاد فرید (۱۳۸۵). دانشگاه علامه طباطبائی.
- ۵- بررسی استعاره از دیدگاه شناختی در اشعار فروغ فرخزاد، سیما حسن دخت فیروز (۱۳۸۸) دانشگاه تربیت مدرس.
- ۶- مقایسه استعاره‌های مفهومی در فارسی نوشتاری روزمره و شعر معاصر، مهدیه عابدی (۱۳۹۱) دانشگاه پیام نور تهران جنوب.

## ج) مقالات:

- ۱- بحثی درباره طرح های تصویری از دیدگاه معنی شناختی، کورش صفری، ۱۳۸۴، نامه فرهنگستان.
- ۲- استعاره زمان در شعر فروغ فرخزاد از دیدگاه معنی شناسی شناختی، عالیه کرد زعفرانلو کامبوزیا و دیگران، ۱۳۸۸، نقد ادبی.
- ۳- نگاهی نو به استعاره (تحلیل استعاره در شعر قیصر امین پور)، فاطمه راکعی، ۱۳۸۹، پژوهشهای ادبی.
- ۴- استعاره های جهتی قرآن با رویکرد شناختی، عالیه کرد زعفرانلو کامبوزیا و خدیجه حاجیان، ۱۳۸۹، نقد ادبی.
- ۵- نظریه استعاره مفهومی از دیدگاه سیکاف و جانسون، زهره هاشمی، ۱۳۸۹، ادب پژوهی.
- ۶- و ...

## ۷-۱. تعریف مفاهیم:

### ۷-۱-۱. زبان شناسی شناختی

زبان شناسی شناختی (Cognitive Linguistics) رویکردی است که زبان را وسیله ای برای سازماندهی، پردازش و انتقال اطلاعات می داند. به لحاظ روش شناختی، تجزیه و تحلیل مبانی تصویری (Conceptual) و تجربی (experiential) مقولات زبانی در زبان شناسی شناختی از اهمیت اساسی برخوردار است. در زبان شناسی شناختی، زبان اساساً به عنوان نظامی از مقولات در نظر گرفته می شود و ساختار صوری زبان نه به عنوان پدیده ای مستقل، بلکه در مقام نمودی از نظام مفهومی کلی (general conceptual organization) اصول مقوله بندی، ساز و کار پردازش و تاثیرات تجربی و محیطی مورد مطالعه قرار می گیرد. (گلفام، ۱۳۸۱: ۱)

در زبان شناسی شناختی، تعامل با جهان به وسیله ساختارهای اطلاعاتی ذهن صورت می گیرد و در این بیان بر زبان طبیعی به عنوان وسیله ای برای سازماندهی، پردازش و انتقال اطلاعات تاکید می شود. بنابراین در رویکرد زبان شناسی شناختی، به زبان به عنوان مخزنی از دانش بشر در مورد جهان خارج و مجموعه ای نظام مند از مقولات معنادار که ما را در رویارویی با تجربیات نوین و ذخیره اطلاعات در مورد تجربیات پیشین یاری می رساند، نگریسته می شود. با توجه به تعاریف فوق سه ویژگی بنیادین را می توان برای زبان شناسی شناختی برشمرد: (همان: ۲)

- اولویت دادن به معناشناسی در تجزیه و تحلیل زبانی

- دایره المعارفی بودن معنای زبانی

- بازآفرینی جهان در قالب مقولات زبانی

### ۱-۷-۲. معنی شناسی شناختی

پایه های معنی شناسی شناختی (Cognitive semantics) در دهه ۱۹۷۰ ریخته شد. این شاخه از علم در واقع واکنشی به جهان بینی عینیت گرایی (Objectivise World-view) سنت آنگولایی - آمریکایی بود که در فلسفه و رویکردهای مرتبط با آن تاثیر بسزایی داشته است، همچنین آن را می توان واکنشی دانست به معناشناسی مشروط به صدق که در زبان شناسی صورتگرا (Formal Linguistics) به وجود آمده است. ایو سویتسر (E. Sweetser) یکی از پیشروان زبان شناسی شناختی، رویکرد مشروط به صدق را این گونه تعریف می کند: با بررسی معنا به عنوان رابطه بین کلمه و جهان، معناشناسی مشروط به صدق، سازمان شناختی را از نظام زبانی حذف می کند. (روشن، ۱۳۹۲: ۲۳-۲۲)



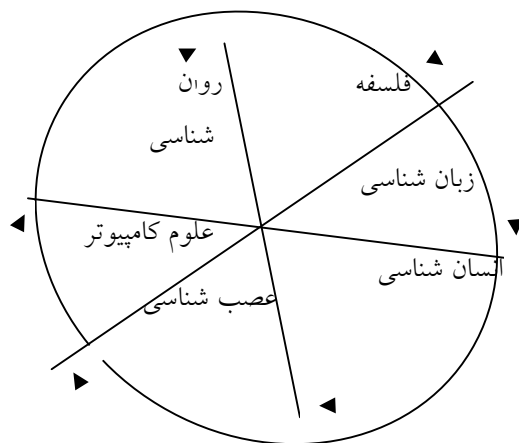
در مقابل این نظریه، معناشناسی شناختی معنای زبانی را به مثابه تجلی گاه ساختار مفهومی در نظر می‌گیرد؛ در اینجا ساختار مفهومی به معنای سازمان بازنمایی ذهنی است.

معناشناسی شناختی، بخشی از زبان‌شناسی شناختی محسوب می‌شود که بر مدل‌ها و ساز و کارهای شناختی که ورای فعالیت‌های زبان‌ما قرار دارد تأکید می‌کند. در معناشناسی شناختی فرض آن است که عملکردهای عالی شناختی ما که معنا و استدلال (reasoning) را ممکن می‌سازند، در واقع امتداد فعالیت‌های حواس ما و غیرقابل تفکیک از آنها می‌باشند. (گلفام، ۱۳۸۱: ۳)

### ۱-۷-۳. علوم شناختی

به باور لیکاف و جانسون علوم شناختی، به بررسی هر نوع ساختار یا کارکرد ذهنی ای گفته می‌شود که می‌تواند به گونه‌ای مشخص و دقیق مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد. این رویکرد هنگامی به عنوان یک علم به تدریج شروع به بالندگی نمود که دوره، دوره رفتارگرایی بود. در نیمه‌ی نخست قرن بیستم، روان‌شناسی رفتارگرا، رویکردی مسلط محسوب می‌شد که به کنش متحرک- پاسخ یعنی بررسی رفتارهای قابل مشاهده و پاسخ‌های رفتاری موجود زنده به آنها، بهای زیادی می‌داد.

علوم شناختی را مجموعه‌ای از شش رشته‌ی فلسفه، روان‌شناسی، زبان‌شناسی، انسان‌شناسی، علوم رایانه و هوش مصنوعی و علوم عصب شناختی می‌دانند. و به طور عام به پژوهش‌های علمی‌ای اطلاق می‌شود که به ذهن می‌پردازد. اما به گواه صاحب نظرانی که در این حوزه مشغول اند ارائه‌ی تعریف جامعی که بتواند گستره‌ی فعالیت‌های صورت گرفته در این حوزه را در بر گیرد، بسیار مشکل است. (حسن دخت‌فیروز، ۱۳۸۸: ۴۵)



نمودار علوم شناختی میلر (همان)

### ۱-۷-۴. استعاره شناختی

استعاره شناختی (Cognitive metaphor) یکی از اصطلاحات رایج در حوزه معنی شناسی شناختی است و یکی از جدی ترین مباحث مورد نظر و توجه آنان در تجزیه و تحلیل و بررسی «معنی» و فرایند شناخت مقوله های ذهنی.

استعاره (که همان نگاشت بین قلمروهاست) قطعاً در کانون معنی شناسی زبان طبیعی متعارف قرار دارد و مطالعه استعاره ادبی بسط مطالعه استعاره روزمره است. نظامی عظیم شامل هزاران نگاشت بین قلمروها در پس استعاره روزمره قرار دارد، و این نظام در استعاره بدیع مورد استفاده قرار می گیرد. به خاطر این نتایج تجربی، در پژوهش های معاصر در باب استعاره، این واژه به مفهومی متفاوت به کار گرفته شده است. استعاره، یعنی نگاشت بین قلمروها در نظام مفهومی. (ساسانی،

(۱۳۹۰: ۱۳۷)

بنابراین استعاره در نظام مفهومی ذهن انسان، نقشی اساسی و بنیادین دارد به طوری که به هیچ عنوان نمی توان آن را از زبان و تفکر انسان جدا دانست. استعاره شناختی ابزار شناخت و درک و تفهیم در نظام شناختی و دستگاه فکری انسان است. دقیقاً برعکس آنچه که در بلاغت سنتی به عنوان ابزار تزیین و تخیل از آن یاد می شود و آنرا جدای از زبان می داند.

### ۱-۷-۵. نگاشت:

مهمترین رکنی که در مورد ساختار استعاره وجود دارد، نگاشت (mapping) است. این واژه در همان معنایی که در علم ریاضیات، به کار می رود؛ با این تفاوت که در نظریه معاصر نگاشت شامل یک سری از مفاهیم است که از حوزه مبدأ به مقصد منتقل می شود. (حسن دخت فیروز، ۱۳۸۸: ۴۶)

البته لیکاف در توضیح و تبیین مفهوم نگاشت چنین می نویسد: هر استعاره متعارف، یعنی هر نگاشت الگویی تثبیت شده است از تناظرهای مفهومی در قلمروهای مفهومی. به این ترتیب، هر نگاشت یک مجموعه ی باز از تناظرهای بالقوه را در الگوهای استنتاج تعریف می کند. یک نگاشت، هرگاه فعال شود، ممکن است بر ساختار دانش مربوط به یک قلمروی مبدأ بدیع اعمال شود و ساختار دانش یک قلمروی مقصد و متناظر را تعریف کند. (ساسانی، ۱۳۹۰: ۱۵۰) وی نگاشت ها را فرایندهایی زنده و پویا توصیف می کند و معتقد است که این نگاشت ها را نباید در حکم فرایندها یا الگوریتم هایی تلقی کرد که به گونه ای مکانیکی داده های قلمرو مبدأ را دریافت می کنند و برون داده های قلمروی مقصد را تولید می کنند. (همان)

در مورد فرایند نگاشت، یو (۱۹۹۸) به دو نکته اشاره می کند. نخست آن که این انتقال یک انتقال یک طرفه است. یعنی از حوزه مبدأ به سمت حوزه ی مقصد و عکسش صادق نیست و دوم آن که لزومی ندارد که تمامی مفاهیمی که در نگاشت هستند از حوزه ی مبدأ به حوزه مقصد منتقل شوند، و اتفاقاً این امریکی از ویژگی های اساسی استعاره است که روی بخش های خاصی از حوزه ی مقصد انگشت می گذارد و آن ها را برجسته می کند تا بیشتر به چشم آیند و تاثیر گذاری مورد نظر را داشته باشند آنچه که در این واگذاری ها به حوزه مقصد منتقل می شود، نخست دو مقوله ی کلی دسته بندی می شوند که عبارتند از: مطابقه ی هستی شناسانه، یعنی نگاشت واحدی از حوزه ی مبدأ به واحد متناظرش در حوزه مقصد و مطابقه ی معرفت شناسانه، یعنی نگاشت دانش حوزه ی مبدأ به حوزه مقصد. (حسن دخت فیروز، ۱۳۸۸: ۴۷)